


ماجرای بازگشت مصریان را چگونه گزارش کرده است؟ در روایت اخیر به شکلی نه چندان روشن از درگیری میان عثمان با عمار و ابن مسعود سخن رفته و محمد بن ابی بکر شخصیتی است که به نقش داشتن او در ماجرای منتهی به قتل عثمان تأکید شده است. بعد از اعتراض گروهی از اهل مصر به اعمال عبدالله بن ابی سرح، خاصه تغییراتی که او در باب زمان انجام نماز داده بود، قرار می شود که محمد بن ابی بکر به عنوان والی جدید به مصر فرستاده شود. چون مصریان از مدینه خارج می شوند، به غلام سیاهی برخورد می کنند که به او شک می کنند. محمد بن ابی بکر دستور تفتیش او را می دهد که نامه یافت می شود (در روایتی دیگر فردی که دستور تفتیش غلام را می دهد کنانه بن بشر است)^{۱۴}. غلام نخست هویت خود را پنهان کرده و در پاسخ به اینکه کیست یک بار می گوید فرستاده خلیفه است و بار دیگر خود را فرستاده مروان معرفی می کند.

در جست و جوی او نامه یافت می شود. در نامه نوشته شده عثمان از والی مصر خواسته بود که محمد بن ابی بکر، فلان و فلان را به قتل برساند و هر کسی را که به تظلم از عثمان نزد او می رود با داشت کند. مصریان به مدینه بازگشته و محمد بن ابی بکر و معترضان به مدینه بازگشته و در حضور گروهی از صحابه، یعنی طلحه، زبیر، علی و سعد و کسان دیگری، نامه را به آن ها نشان می دهد و داستان غلام را برای آن ها شرح می دهد. این کار باعث خشم همه مردم مدینه بر عثمان می شود. محمد بن ابی بکر تمام بنی تمیم و کسان دیگری را برمی انگیزاند که عثمان را در خانه اش محصور کنند. طلحه بن عبید الله نیز او را در این کار یاری می کند و عایشه نیز به شدت بر عثمان و رفتارهایش خرده می گیرد. علی در این میان برای حل مشکل پادرمیانی کرده و با شماری از اصحاب به نزد عثمان می روند و درباره نامه از او پرسش می کنند: عثمان نگارش نامه، اطلاع از آن و یا دستوردادن به نگارش آن را انکار می کند. اما همگان تأیید می کنند که نامه به خط مروان است و از عثمان می خواهند که وی را تسلیم آن ها کند که عثمان، به دلیل بیم از اینکه مروان توسط جماعت معترض کشته شود، از تسلیم او اجتناب می کند. پرنزگ شدن نقش محمد بن ابی بکر در این روایت جالب توجه است.^{۱۵}

آخرین روایت نقل شده^{۱۶} به شکلی کوتاه از مواجهه میان غلام عثمان و معترضان و در نهایت یافت شدن نامه سخن می گوید. متن نامه بدون اشاره به نام افراد با دستور قتل افراد ذکر شده نقل شده است. معترضان به مدینه بازگشته و عثمان در دیدار با آن ها نگارش نامه را انکار می کند. در مقابل تقاضای معترضان به کناره گیری از حکومت، عثمان می گوید پیژامه ای را که خداوند بر او پوشانیده از تن خارج نمی کند. معترضان او را محاصره کرده و سرانجام به قتل می رسانند.

نتیجه گیری

روایت های نقل شده به خوبی شگردهای ادبی مورد استفاده مورخان در نقل اخبار تاریخی را نشان می دهد. مورخان، بسته به گرایش فکری خود، در نقل اخبار تاریخی دست برده، آن ها را تحریف، تقطیع و سانسور کرده و مناسب با رویکردهای فکری خود شکل مناسبی از اخبار را پدید آورده و روایت می کرده اند. هرچند هسته اصلی روایت و اساس تاریخی داشتن ماجرا بسته به رویکردهای مورخان مورد بحث همچنان در اصل خبر حفظ شده است. 

خود در مصر نوشته است که مال فلانی را بگیر، فلانی را بکش و فلانی را تبعید کن. علی نامه را در آنچه که در آن پنهان شده بود گرفت و به نزد عثمان رفت و به او گفت که آیا این نامه را می شناسد؟ عثمان پاسخ داد که از مهر نامه می تواند بگوید که نامه از او هست یا خیر؟ بعد از گشودن آن محفظه، عثمان متن نامه را دیده و تأیید می کند که مهر او بر آن است و بعد از خواندن متن آن می گوید که خداوند کسی را که این نامه را نوشته و کسی را که آن را املا کرده لعنت کند. علی به او می گوید که آیا وی کسی از نزدیکانش را به نگارش نامه متهم می کند؟ عثمان می گوید بلی و در پاسخ به علی خود او را به نگارش نامه متهم می کند. علی خشمگین شده و از نزد عثمان بیرون می رود و می گوید که دیگر عثمان و کسانی که علیه او هستند را یاری نخواهد کرد تا به دیدار پروردگار بروند.^{۱۷} راوی روایت عبدالملک بن هارون بن عنتره از عثمانیان کوفه است و به روایت اخبار شاذ از این دست مشهور بوده است و ابن عدی (متوفی ۳۶۵) درباره روایت او که به نقل از پدرش از جدش از صحابه نقل کرده چنین نوشته است: «... و عبدالملک بن هارون له لأحادیث غرائب عن أبيه عن جده عن الصحابة مما لا يتابعه عليه أحد».^{۱۸}

روایت بعدی از قول علیب بن محمد مدائنی و احتمالاً کتاب یوم الدار او باشد که ابراهیم بن محمد بن سعد از قول پدرش سعد بن ابی وقاص نقل کرده است. سعد گفته که اهل مصر پیش از رسیدن به مصر بار دیگر به مدینه بازگشتند و هنگامی که به جایی به نام ذی المروه رسیدند کسی را به نزد علی فرستاده و به او گفتند که عثمان که بر آن ها به سبب اعتراض به وی عتاب می کرده اکنون نامه ای نوشته و دستور قتل آن ها را داده است و نامه را به نزد او فرستادند. علی نامه را به نزد عثمان برده و به او گفت که ای عثمان، این چیست؟ عثمان پاسخ داد که خط نامه خط مروان است و مهر نیز مهر اوست، اما به خدا سوگند که او دستور به نگارش آن نداده و خبری از آن نیز نداشته است. علی از عثمان پرسید پس چه کسی را به نگارش نامه متهم می داند؟ عثمان گفت که از دید او علی و مروان متهمان نگارش نامه هستند. علی خشمگین شده، دیگر هیچ کسی را از مواجه شدن با عثمان نپسندید. حذف و سانسور بسیاری از جزئیات در این خبر نیز مشهود است.^{۱۹}

روایت بعدی که ابن شبه آورده^{۲۰} روایت بسیار مشهوری درباره ماجرای قتل عثمان بوده است. البته توجه اصلی در خصوص این روایت تدلیس انجام شده در روایت آن است. این روایت به عنوان خبری روایت شده توسط محمد بن عیسی بن سميع قرشی دمشقی (متوفی ۲۰۴) در میان محدثان به عنوان روایتی مشهور بوده است که در آن تدلیس صورت گرفته و محمد بن عیسی دمشقی فردی است که مرتکب تدلیس در روایت آن شده است. روایت اخیر در میان محدثان شامی البته روایت متداول بوده و هشام بن عمار دمشقی آن را به نقل از محمد بن عیسی دمشقی روایت می کرده است. روایت اخیر به واقع توسط اسماعیل بن یحیی تیمی از قول محمد بن عبدالرحمن بن ابی ذئب از قول زهری روایت شده است. زهری این روایت بسیار بلند خود را از قول سعید بن مسیب نقل کرده است؛ به دلیل ضعیف الحدیث بودن اسماعیل بن یحیی تیمی، محمد بن عیسی دمشقی تدلیس کرده و نام او را به عنوان راوی حذف کرده و در این کار، علی رغم پرسش از او، اصرار داشته و آن را مستقیماً از ابن ابی ذئب نقل کرده است.^{۲۱} متن خود روایت چندان محل اعتراض نبوده است. اما این روایت

- + پی نوشت
۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ج ۶، ص ۲۸۲.
 ۲. یوسف بن عبدالله مشهور به ابن عبدالبر (۱۴۱ق/۹۹۲م). الاستیعاب فی معرفة الاصحاب. تحقیق: علی محمد بجاوی. بیروت: دار الجیل، ج ۴، ص ۱۸۵۴.
 ۳. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۰ق). تاریخ المدینه المنوره. محقق: فهیم محمد شلتوت. قم: دار لفرکر، ج ۴، ص ۱۱۴۹-۱۱۶۱.
 ۴. همان، ص ۱۱۴۹.
 ۵. همان، ص ۱۱۵۰-۱۱۵۱.
 ۶. همان، ص ۱۱۵۱-۱۱۵۲.
 ۷. همان، ص ۱۱۵۲.
 ۸. همان، ص ۱۱۵۲-۱۱۵۳.
 ۹. همان، ص ۱۱۵۴-۱۱۵۵.
 ۱۰. ابن عدی (۱۴۵/۱۹۸۵). الکامل فی ضعفاء الرجال. تحقیق: سهیل زکار. بیروت، ج ۵، ص ۳۰۴.
 ۱۱. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۰ق). تاریخ المدینه المنوره. محقق: فهیم محمد شلتوت. قم: دار لفرکر، ج ۴، ص ۱۱۵۵.
 ۱۲. همان، ص ۱۱۵۷-۱۱۶۱.
 ۱۳. نک: ابن عدی، الکامل، ج ۶، ص ۲۴۶؛ ابن شبه (۱۴۰). تاریخ المدینه المنوره. تحقیق: فهیمی شلتوت، قم: دار الفکر، ج ۵، ص ۶۶-۶۹.
 ۱۴. نک: همان، ص ۱۱۵۱.
 ۱۵. روایت اخیر به شکل کوتاهی توسط ابن شبه نقل شده است. بلاذری (انساب الاشراف، ج ۶، تحقیق سهیل زکار (بیروت، ۱۴۱۷/۱۹۹۶)، ص ۱۸۳-۱۸۷، تحریر تفصیلی تری از آن را آورده و حوادث بعد از محاصره شدن خانه عثمان را که ابن شبه نیابورده آورده است. ۱۶. همان، ص ۱۱۶۱.